



حاودانه

(مجموعه غزلیات)

سروده:

یوسف شیفته

انتشارات مهر غزال

سرشناسه : شیفته، یوسف، ۱۳۶۰ -
 عنوان و نام پدیدآور : جاردانه‌ها : (مجموعه غزلیات) / سروده یوسف شیفته .
 مشخصات نشر : اردبیل: مهر غزال، ۱۳۸۸. بها ۲۵۰۰۰ ریال
 مشخصات ظاهری : ۱۰۰ص: ۲۱/۵×۱۴/۵: س.م.
 شابک : 9786005129588
 وضعیت فهرست نویسی: فیا
 موضوع : شعر فارسی -- قرن ۱۴
 رده بندی کنگره : ۱۳۸۸ ی ۷۳ ج ۲ / ۸۱۳۰ PIR
 رده بندی دیویی : ۱/۶۲۴۸
 شماره کتابشناسی ملی : ۱۹۰۷۹۱۶

***** انتشارات مهر غزال *****

نام کتاب: جاردانه ها (مجموعه غزلیات)

سروده: یوسف شیفته

چاپ و صحافی: چاپخانه نگین (۴۱۴-۲۲۴۰۶۱۴-۴۵۱) (مهری)

انتشارات: مهر غزال اردبیل - ۹۱۴۱۵۴۳۹۳۶

لیتوگرافی: آریتان اسکندر

نوبت چاپ: چاپ اول - ۱۳۸۹

تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

شابک: ۸-۵۸-۵۱۲۹-۶۰۰-۹۷۸

بها: ۲۵۰۰۰ ریال

خداوندا تویی تنها امیدم
مران از درگه خود ناامیدم
تویی آگه ز پنهان و عیانم
ندارد قدرت و صفت زبانم
الهی بندهای غرق گناهم
ببخشایم که دانم روسیاهم
تویی تنها پناه بی پناهان
تویی بخشنده جرم و گناهان
الهی عشق تو در سینه دارم
نشان از بیعت دیرینه دارم
دلم سرشار کردی از صفایت
سراپای وجودم در ثبات
نشاندی عشق بر جانم خدایا
تو دانی سوز پنهانم خدایا

فهرست اشعار

صفحه

غزل

- ۳..... این چنین با من چرا نامهربانی ای حبيب
- ۴..... او رفته از دو دیده و بر دل نشسته است
- ۵..... ديگر ز فرط گريه ز سر آب رفته است
- ۷..... از آسمان ديده من ماه رفته است
- ۸..... بار دگر خيال تو بر خاطر من نشست
- ۹..... بين چگونه دل از سنگ سخت غم بشکست
- ۱۱..... بيا که مرغ دلم در هوای ديدن توست
- ۱۲..... خزان عشق زمين گير شد بهار نيست
- ۱۴..... حيات و عمر در اين دير جاوداني نيست
- ۱۷..... بهار عمر که سرشار شور بود گذشت
- ۱۸..... پژمرده گشت گلشن عمر و بهار رفت
- ۱۹..... بار دگر شب آمد و دل رنگ غم گرفت
- ۲۱..... با جلوه ای که کرد دلم را ربود و رفت
- ۲۲..... او گريه های نيمه شبم را ندید و رفت
- ۲۴..... عشق داغي است و جاويد نشانی دارد
- ۲۵..... تا کی از کوچه معشوق گذر خواهم کرد
- ۲۷..... در گلستان محبت گلعداران را چه شد
- ۲۸..... از جور روزگار سرشکم روانه شد
- ۲۹..... کاش عاشق کش من از ستمش ياد کند
- ۳۱..... دل از چه رو شکايت هجران نمی کند
- ۳۴..... با قلب پاره پاره من غم چه می کند
- ۳۵..... ای کاش شام تيره من بی سحر نبود
- ۳۷..... از ازل عشق جگر سوزش به جان افتاده بود

- ۳۹..... بر که نالد مرغ دل که افتاده اینسان در قفس.....
- ۴۱..... در دل شب تا سحر سوزان و بیدارم چو شمع.....
- ۴۳..... یک عمر دیده بر ره دلدار بسته ام.....
- ۴۴..... وقت غروب خوش به تماشا نشسته ام.....
- ۴۶..... او شمع و من پروانه ام وز عشق او دیوانه ام.....
- ۴۸..... در آتش غم تو سوزان یکی کبابم.....
- ۵۰..... یک عمر من به پای تو ای دوست سوختم.....
- ۵۲..... شبی به یاد تو تا صبح گریه ها کردم.....
- ۵۳..... بار دگر واله و شیدا شدم.....
- ۵۵..... من از تمام جهان عشق را پسندیدم.....
- ۵۷..... از گریه خونیم شد فاش نهان رازم.....
- ۵۹..... نشانه های تو را از بهار می پرسم.....
- ۶۱..... پایسته هجرانم و از غم به فغانم.....
- ۶۳..... از بادها نوای تو را گوش می کنم.....
- ۶۵..... رفتی و خاطرات تو را خاک می کنم.....
- ۶۶..... امشب ز چشم ماه نهان گریه می کنم.....
- ۶۹..... جناب عشق نباشد مقام یوالهوسان.....
- ۷۱..... چشم بگشای و بین حال من بی سامان.....
- ۷۳..... باز آی و چون پری رخ خود را نهان مکن.....
- ۷۵..... کو آن کسی که بشنود از دل صدای من.....
- ۷۷..... تنها تو آگهی ز من و غصه های من.....
- ۷۹..... بهار سرنزند بر دل خزان من.....
- ۸۱..... ما را ستاره نیست در این آسمان دون.....
- ۸۲..... دلنگ ز اندوهم کو باده و پیمانه.....
- ۸۴..... در عشق بجز هجر دل آزار چه دیدی.....
- ۸۶..... گر چه صد شکوه از این چرخ پریشان داری.....
- ۸۸..... به عشق کوش گر از خواب جهل بیداری.....
- ۹۰..... در شرح نمی گنجد سوز و غم شیدایی.....